

حساب

روز قیامت

آیت الله حسین نوری

روزی که همه انسانهایی که در ظرف میلیونها سال در طی قرون و اعصار مختلف در سطح زمین زندگی کرده و مرده اند، دوباره زندگی خود را باز یافته در پیشگاه عدل الهی حاضر میشوند و فرشتگان الهی نیز در این مجمع بزرگ صف می کشند و هیچکس بدون اذن خداوند نمیتواند لب سخن بگشاید و حرفی بزند و همه و همه منتظر دستور و فرمان «مالک یوم الدین» یعنی سلطان روز جزا ایستاده اند، روزی است بسیار بزرگ و با مهابت!

روزی که اعمال و عقائد قلبی انسانها و ملکات روحی و حتی اسرار درونی آنها با چهره واقعی و اخروی خود تجلی میکند و بلکه مجسم میگردد و اعضا و جوارح بدن آماده گواهی دادن در باره اعمال گردیده اند.

روزی که پرونده افعال آدمیان که با کمال دقت تنظیم شده و هیچیک از کارهای آنان را چه کوچک چه بزرگ، فروگذار نکرده است را بدست آنان میدهند تا خود بخوانند و خود بحساب خود برسند.

روزی که میزانهای دقیقی برای سنجیدن کارها و گفتار انسانها نصب و مهیا می گردد روزی که «بهشت» را با تمام نعمتها و مواهبی که در آغوش دارد و «جهنم» را با تمام وسائل

عنایبی که در بر دارد حاضر نموده اند، روزی است بسیار با عظمت که خداوند آنها در قرآن مجید بوم عظیم و یوم کبیر قلمداد کرده و در مهابت و عظمت آن تعبیرات متعددی بکار برده است که یکی از آنها این است:

«يَوْمَ تَرَوْهَا تَدْفَعُ كُلُّ مُرْمِةٍ عَمَّا أَزْهَعَتْ وَ تَضَعُ كُلُّ ذَاتٍ حَمَلٍ غَمْلَهَا وَ تَرَى النَّاسَ سُكَارَىٰ وَ مَا لَهُم بِسُكَارَىٰ وَلَٰكِنَّ عَذَابَ اللَّهِ شَدِيدٌ»

یعنی روزی که می بینی از وحشت و هراس هر زن شیر دهنده ای از بیجه شیر خوار خود غافل میشود و هر زن حامله ای فرزند خود را از وحشت ساقط می کند و مردم را از فرط هراس مانند افراد مست که عقل و هوش خود را از دست داده اند می نگری و حال آنکه مست نیستند ولی عذاب خداوند شدید است!

بس روی همجوماه زخجلت شود سپاه

بس فد همجنون بر زهیت کمان شود

حضرت امیر مؤمنان علیه السلام میفرماید:

«ذَلِكَ يَوْمٌ نَجْمَعُ اللَّهُ فِيهِ الْأُولِينَ وَالْآخِرِينَ يُفْجَأُ فِي الْحِسَابِ وَ جَزَاءُ الْأَعْمَالِ حُضُوعًا فَيَأْمُرُهُمُ الْعَرْشُ وَ تَزْفَتُ بِهِمُ الْأَرْضُ فَحَسْبُهُمْ حَالًا مَنْ وَعَدَ يُفْقَدُ فِيهِ قَوْضِعًا وَ تَنْظِيهِ مُنْتَعًا»

یعنی قیامت روزی است که خداوند در آن روز برای رسیدگی دقیق به حساب و جزای

اعمال، همه خلایق را از اولین تا آخرین جمع میکند و همه در حال خضوع در حالی که عرقی از سر و روی آنها ریخته و اطراف دهانشانرا احاطه کرده ایستاده اند و زلزله زمین آنها را میلرزاند، نیکوترین و خوشحالتترین افراد در آن روز کسی است که جای پائی پیدا کند و برای خود محلی بدست بیاورد این رستاخیز عظیم که خداوند توفیق سعادت و سپردوئی در آنرا بهمه عنایت بفرماید دارای مراحل متعددی است که یکی از آنها «مرحله حساب» است که خداوند متعال در ۳ جای قرآن آنرا «یوم الحساب» نامیده است.

و میتوان درباره آن از نظر تشبیه گفت:

همانطور که سرمایه و امکانات دیگری با این هدف در اختیار یک نفر تاجر گذاشته میشود که با بکار انداختن آن سرمایه و بهره برداری از امکانات موجود و انجام فعالیت های بازرگانی گامهائی در راه ترقی و تکامل اقتصادی برداشته سود لازم را بدست بیاورد و لذا پس از یک سال مثلاً لازم است محاسبه ای انجام گیرد تا بر این اساس روشن شود که آیا این تاجر از این سرمایه و امکانات و فرصتهای موجود فائده ای بدست آورده است یا زیان کرده است؟

و در صورت اول استفاده چه اندازه و در صورت دوم ضرر و زیان تا چه حدی است؟ خداوند کریم نیز انسانها را با این هدف با خلقت کامل آفریده و عقل و ادراک به آنان عنایت کرده و پیغمبران عالی شأن برای راهنمایی آنها فرستاده و کتابهای آسمانی که روشنگر راه زندگی است نازل فرموده و پیشوایان معصوم و شایسته ای نصب کرده و تمام امکانات و مواهب این جهان را در اختیار گذاشته و مراکز و عوامل تعلیم و تربیت صحیح فراهم نموده و بالاخره تمام درهای ترقی را بروی آنان گشوده که از این سرمایه های مهم، برای دستیابی به تکامل و سعادت های فرهنگی، اخلاقی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی استفاده کنند و بهره ببرند و در این راه روشن گام بردارند و در این کشتزار حاصلخیز تخم بکارند تا با دست پُر و وجودی

متکامل و روانی رستگار و دلی سرشار از اطمینان و چهره‌ای سفید و روشن به عرصه قیامت گام بگذارند و به بهشت جاودان و جوار قرب حق تعالی نائل شوند. بنابراین:

اکنون که روز قیامت پدید آمده و در این مجمع با شکوه و بزرگ حضور یافته اند قبل از هر چیز باید به مرحله حسابرسی وارد شوند و فلز وجودشان را در معرض سنگ محک الهی قرار بدهند تا در باره باورها و عقاید آنها و همچنین در باره کردار و گفتار و اخلاق آنها محاسبه دقیق انجام بگیرد.

خوش بود گر محک نجره آید بمان

تا سبه روی شود هر که در او غش باشد
بناید دانست که چنین مرحله ای در انتظار ما است و بما نزدیک است. قرآن مجید این طرز تفکر که مردم نوعاً چنین می پندارند که هنوز به حساب روز قیامت خیلی مانده و آن با ما فاصله زمانی زیادی دارد را تخطئه میکند و این فکر را فکر باطل و بی اساس میداند و میگوید:

«فَلْيَرْبِ لِنَاسٍ جَاهِلَةٌ لَهُمْ فِي غَفْلَةٍ مُّعْرِضُونَ»^۳

یعنی روز حساب مردم نزدیک شده است ولی مردم از آن غافلند و از مهیا شدن برای آن اعراض می کنند.

بطور کلی در قرآن مجید این مطالب را درباره حساب روز قیامت میخوانیم:

۱- دامنه حساب روز قیامت آنقدر وسیع است که علاوه بر تمام کردار و گفتار انسانها. اعتقادات قلبی را نیز فرا میگیرد. «إِنَّ لِيُدْوَأَ فِي آفْسِيكُمْ أَنْ تُغْفَرَهُ لِمَا كُنْتُمْ بِالله»^۴

یعنی آنچه که در اعماق وجود شما است چه پنهان کنید و چه آشکار خداوند همه آنها را در محاسبه خواهد آورد.

۲- حساب روز قیامت بسیار کامل و دقیق انجام خواهد گرفت و چیزی از قلم نخواهد افتاد که «وَأَنْ كَانَ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ أَتَيْنَا بِهَا وَكُنْ بِهَا حَاسِبِينَ»^۵

یعنی اگر عمل انسان، کوچک و باندازه خردلی هم باشد روز قیامت آنرا آشکار ساخته

ب حساب میآوریم و ما خود برای حسابرسی کافی هستیم.

و این همان موضوعی است که لقمان بفرزندش یاد آور گردید: «بِأَيِّ لُحْيَةٍ أَنْ تَكُنْ مِنْ غَالِ عَجَةٍ مِنْ خَرْدَلٍ فَتَكُنْ فِي صُخْرَةٍ أَوْ فِي السَّمَوَاتِ أَوْ فِي الْأَرْضِ يَأْتِي بِهَا اللهُ إِنَّ اللهَ لَطِيفٌ خَبِيرٌ»^۶

یعنی ای فرزند عزیزم اگر اعمال بد و یا خوب انسان باندازه خردلی در دل سنگ یا اوج آسمانها، یا اعماق زمین پنهان باشد خداوند آنرا آشکار ساخته بحساب میآورد که خداوند، باریک بین و آگاه است.

۳- محاسبه همه افراد در روز قیامت یکسان نیست و بطور کلی دو نوع حسابرسی در روز قیامت بعمل خواهد آمد:

الف- حساب آسان
ب- حساب شدید و سخت
حسابرسی آسان در باره کسانی صورت میگیرد که نامه عمل آنها بدست راستشان داده شده است که:

«فَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ بِمِثْقَلِ ذَرَّةٍ يَحْسِبُ حِسَابًا سَيْرًا وَنُقِلَتْ إِيَّاهُ إِلَى اللهِ شُرُورًا»^۷

یعنی: کسیکه پرونده عملش بدست راستش داده شد (که این خود در باره کسانی است که در دنیا راه راست را پیموده و در نتیجه اعمال آنها مورد رضایت خداوند قرار گرفته است) به آسانی به حسابش رسیدگی خواهد شد و او بسوی کسان و خویشان خود در بهشت مسرور و شادمان خواهد رفت.

و نیز در باره کسانی که از مرحله حسابرسی - چون نامه اعمالشان بدست راستشان داده شده بود - شادمان و خشنود گذشته و کسانی که نامه اعمالشان بدست چپ داده شده بود و از مرحله حسابرسی با شرمندگی و تأسف گذشته اند میفرماید:

«فَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ بِمِثْقَلِ ذَرَّةٍ يَحْسِبُ حِسَابًا سَيْرًا وَنُقِلَتْ إِيَّاهُ إِلَى اللهِ شُرُورًا فَهَوْ فِي عَذَابٍ رَاحِيَةٍ فِي حَبَّةٍ عَالِيَةٍ فُظُوفُهَا دَابَّةٌ كَلِمَا وَاشْرَبُوا حَمِيمًا بِمَا أَنْفَلْتُمْ فِي الْأَيَّامِ الْعَالِيَةِ وَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ بِشِمَالِهِ فَيَقُولُ يَا لَيْتَنِي

لَمْ أُوْتِ كِتَابَهُ وَتَمَّ أَدْرِمَا حِسَابَهُ بِأَيْتِهَا كَانَتْ الظَّاهِرَةُ مَا اغْنَى عَنِّي مَالِيَهُ هَلْكَ عَنِّي سُلْطَانِيَّةٌ»^۸

یعنی «کسیکه نامه عملش بدست راستش داده میشود با کمال نشاط و سربلندی باهل محشر میگوید بیایید نامه مرا که سراسر افتخار است بخوانید من در دنیا باین حقیقت ایمان و اعتقاد داشتم که به حساب من رسیدگی خواهد شد اینچنین کس در عیش و زنگاری خوش خواهد بود و در باغهای عالی بهشت که میوه های آن همیشه در دسترس است و باو خطاب میرسد از غذاهای لذیذ و آشامیدنی های گوارا تناول کنید و گوارا یاد شمارا که این پاداش اعمالی است که در دنیا برای امروز خود انجام دادید خواهد زیست، و اما کسی که پرونده اعمالش بدست چپش داده میشود با کمال شرمندگی و اندوه میگوید ای کاش نامه مرا بمن نمیدادند و از حساب خود هرگز آگاه نمیشدم ای کاش مجدداً مرگ من فرا میرسد امروز مال و ثروت من بفریاد من نرسید و قدرت و حشمت نابود گردید».

و نیز در باره محاسبه سخت میگوید: «وَأَمَّا كَاتِبِينَ مِنْ قُرْبَى عَنَّا عَنْ أَنْزِلَتْنَا وَرُسُلِنَا فَحَاسِبْنَا حِسَابًا شَدِيدًا وَغَدَّ بِنَاهَا عَذَابًا لَكْرًا فَذَاقَتْ وَبَانَ أَنْزِلَتْنَا وَكَانَ غَافِقَةً أَقْرَبَهَا حُشْرًا...»^۹

یعنی: چه بسا مردم شهرهائی که از امر خداوند و پیغمبرانش سر پیچی کردند را سختی مورد محاسبه قرار دادیم و بعد از بسیار شدید معذبان ساختیم تا بکفر کردار زشت خودشان رسیدند و سرانجام کارشان زیانکاری و حسرت گردید

و نیز در مورد دیگری کسانی که به اوامر خداوند جواب مثبت نمیدهند را با حساب بد و سخت تهدید میکند و میفرماید:

«وَالَّذِينَ لَمْ يَسْجُدُوا لَكَ لَوْلَا أَنَّهُمْ مَا فِي الْأَرْضِ غَمْبًا وَتَلَ قَعًا لَا يَفْتَدُوا بِهِ أُولَئِكَ لَهُمْ سُوءُ الْحِسَابِ وَنُؤَابِهِمْ جَهَنَّمَ وَبَسَّ الْبِهَادِ»^{۱۰}

یعنی: آنانکه اوامر پروردگار را اجابت نکردند اگر مالک دو برابر آنچه که در زمین است

بقیه از وصیت نامه امام و...

دارد که باید پس برود تا بسینیم یا اینکه این تعبیرات، کنایه از حقایق دیگری است. اتفاقاً همین تعبیر پرده در خود قرآن کریم نیز آمده است، در باره اهل قیامت می فرماید: «فكشفتنا عنك غطاءك بصرک اليوم حدید». (سوره ق. آیه ۲۲).

یعنی: «امروز پرده را از جلوتو برداشتیم. اینک دیده توتیز است و می توانی همه چیز را ببینی» جمله معروفی منسوب است به حضرت امیر علیه السلام: «لو كشف العطاء ما زدت یقیناً» یعنی: «افرضاً اگر پرده برافتد بر یقین من افزوده نمی شود».

مسلماً این پرده از نوع ماده و جسم نیست، این پرده جز حجاب محدودیت حواس ما که تنها امور نسبی و محدود را درک می کند نمی باشد.

بحسب فرض اولی عقل، موجود بر دو قسم است: محدود و نامحدود، وقتی محدود را تعریف می کنیم نامحدود هم روشن می شود، شما که در اینجا نشسته اید، یک نقطه معین و یک مقدار معین از فضا را اشغال کرده اید و در نقطه دیگر و جای دیگر نیستید و اگر بخواهید در نقطه دیگر در روی صندلی دیگر بنشینید، ناچار باید این نقطه را رها کنید و با حرکت، خود را به نقطه دیگر منتقل نمائید. یعنی نمی توانید در عین اینکه در این نقطه هستید در آن نقطه باشید، شما از نظر مکان، محدود به مکان خاص هستید. همینطور است از لحاظ زمان، ما در این زمان هستیم در زمان های پیش نبوده ایم همچنانکه در زمانهای بعد نخواهیم بود.

حالا اگر موجودی از نظر مکانی و زمانی نامحدود باشد به معنی این

است که هیچ مکانی و هیچ زمانی از او خالی نباشد و در همه زمانها و همه مکانها باشد، بلکه محیط بر مکان و زمان باشد. و در این وقت است که حواس ما از درک چنین موجودی عاجز و ناتوان است. ما به این دلیل یک شیء خاص را می بینیم که محدود است و در جهت معین قرار دارد. قابل اشاره است، شکل دارد و اگر نامحدود باشد و شکل و جهت نداشته باشد، قهراً نخواهیم توانست او را دید.

ما یک آواز را به این دلیل می شنویم که گاهی هست و گاهی نیست. اگر یک آواز ممتد و یک نواخت باشد، هرگز او را نخواهیم شنید... اهل معرفت و عرفان می گویند: حق متعال از کثرت ظهور در خفا است، یعنی حیثیت ظهور و خفا در او یکی است، او از این جهت مخفی است که هیچگونه غیاب و انقوت و غروبی ندارد و هیچ چیز و هیچ جا از او خالی نیست.

با من هوا خستنی لفرط نوره الظاهر الساطن فی ظهوره... این کلام لطیف را از آن حکیم شهید، از آن عارف وارسته از هوای وابسته بخدا بدین جهت نقل کردم که اهل الله و ارباب قلوب که از ذات حضرت واجب به «هویت غیب مطلق» تعبیر می کنند، با از مقام «لا تعبتی» حضرتش به «احدیث غیبیه» و از مقام «واحدیت» به «غیب مضاف» تعبیر می کنند، به آن معنا است که استاد شهید رضوان الله علیه بدان اشارت داوود، یعنی چون ادراکات ما، ناقص و ظهور حضرتش نامتناهی است، الزاماً ما محجوبیم، ما در حجاب نقصانیم. و گرنه:

بکرمی پسرده از درو دیسوار در لحنی است بنا اولی الانصار ادامه دارد

بقیه از حساب روز قیامت

بشوند و آنرا در برابر رهائی از عذاب خداوند بدهند. به حال آنها مفید نخواهد بود و برای آنها نتیجه ای نخواهد بخشید و محاسبه بد و نامطلوب در انتظار آنها است و جایگاه آنها جهنم که جایگاه بسیار بدی است خواهد بود.

در این مورد دنباله بحث در باره حساب روز قیامت را با توفیق خداوند برای مقاله بعد میگذاریم و این نکته را یادآور می شویم که از احادیث اهل بیت علیهم السلام که در رابطه با حساب آمده است این مطلب بدست می آید که قبل از هر چیز هر انسانی در باره ۴ چیز مورد سؤال قرار خواهد گرفت و محاسبه اینها بر محاسبه های دیگر مقدم است که حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند:

«لا تزول قدم عبد یوم القیامة حتی یسأل عن اربع

عن عمره فیم الفناء و شبابه فیم ابلاه و عن ماله من این اکتبه و فیما اتفقوا من سئل عن الیوم

یعنی در روز قیامت همبقدر که انسان وارد عرصه محشر میشود پیش از اینکه گام از گام بردارد از او سؤال میشود:

۱. عمر خود را در چه مورد صرف کرده است؟
۲. جوانی خود را در کجا به پیری رسانده است؟
۳. مال خود را از چه راهی بدست آورده و در چه مورد خرج کرده است؟
۴. از محبت و ولایت اهل بیت پیغمبر «ص»

صاحباً عمر عزیز است غنیمت دانش گوی خیری که توانی بر از میدانش چیست دوران ریاست که فلک با همه قدر حاصل آنست که دائم نبود دورانش آن خداست تعالی ملک الملک قدمی که تغییر نکند فلکت جاو بدانش

مقیل امروز کند درد دل ریش دوا که پس از مرگ مبسر نشود درمانش هر که دانه نشانند بر زمستان در خاک تا امیددی برد از دخل به ناپستاش معرفت داری و سرمایه بازرگانی

۱. چه به از نعمت باقی؟ بده و ستانش خوی معدیست نصیحت چه کند گر نکند
۲. مشک دارد نتواند که کند پنهانش

- ۱- سوره حج. آیه ۲
- ۲- نهج البلاغه خطبه ۱۰۱
- ۳- سوره تینیه آیه ۱
- ۴- سوره بقره. آیه ۲۸۴
- ۵- سوره النبیه. آیه ۴۷
- ۶- سوره لقمان. آیه ۱۶
- ۷- سوره انشقاق. آیه ۷-۹
- ۸- سوره العاقه آیه ۱۹-۲۹
- ۹- سوره طلاق. آیه ۷-۹
- ۱۰- سوره رعد. آیه ۱۸
- ۱۱- بحار الانوار. ج ۷ ص ۲۵۸